

سبک از تباط



بررسی حدود ارتباطات شغلی زن و مرد در چارچوب شرع، عرف و قانون

فضای اجتماعی سالم حضور فعال زنان را تضمین می کند

■ زینب شکوهی طریقی

همه ما زنان دختران با هدف رشد علمی و افزایش حضور اجتماعی درس می خوانیم. مسیر مشخصی است. ما تا جایی که علاقه داریم و احساس نیاز می کنیم درس می خوانیم و برای جبران بخشی از هزینه های زندگی مان یا حتی برای استفاده از علمی که آموخته ایم کار می کنیم. در جامعه سنتی ایرانی و اسلامی ما هنوز خانواده هایی هستند که دغدغه نوع حضور فرزندان دخترشان را در محیط های کاری دارند. هنوز مادران و پدرانی

■ اگر ایران کشور اسلامی است پس...

سمیه عبادی، ۲۸ ساله دانشجوی کارشناسی ارشد عمران گرایش سازه از جمله دختران جوان و محببه ای است که براساس علاقه اش درس خوانده است، بنا به فضایی که در مشاغل مرتبط با رشته او وجود دارد تصمیم گرفته که فعلا کار نکند و فقط درس بخواند. در این باره می گوید: «من دانشجوی کارشناسی بودم که برای پیدا کردن کار همراه دوستانم که او هم دانشجوی معماری بود سراغ چند مرکز، مؤسسه و حتی شرکت خصوصی و دولتی رفتم. متأسفانه بعداً متوجه شدم فضایی که بین دانشجویان رشته های مهندسی وجود دارد خیلی با روحیه من سازگاری ندارد. البته این موضوع را زمان دانشجویی گذراندن پروژه ها متوجه شده بودم اما تا جایی که امکان داشت همگروهی دختر انتخاب می کردم. حالا بعد از چند سال هزینه کردن و درس خواندن نمی توانم کار کنم. یعنی نمی توانم به خاطر چند میلیون در ماه بپذیرم که با یک یا چند آقا در یک اتاق همکار باشم. سر پروژه بروم یا برای ما مأموریت عازم شهرهای دیگر شوم. چون چاره ای ندارم پس تصمیم گرفتم فعلاً فقط درس بخوانم و قید کار را بزنم. وارد شرکت های خصوصی که اصلاً نمی توانم بشوم چون نه تنها زمان مشخصی برای کار ندارند بلکه از نیروی خانم تقاضاهای غیرمترافی دارند مثلاً انتظار دارند چون کارمند شرکت آنها هستی مطابق سلیقه آنها لباس بپوشی، با آنها مهمانی بروی و... در شرکت های دولتی هم که رفتارها کنترل شده است باز باید بپذیرم که همکار هم رتبه و دایم در حال مراده با من یک مرد است خب من نمی توانم چنین چیزی را بپذیرم حتی اگر مجبور باشم. سال ها بیکار در خانه بنشینم اما واقعاً برایم سؤال است که اگر در کشور ما که اسلامی بودن افتخار است و افتخار است پس کدام کشور شرایط بهتری دارد؟»

■ دختران فنی مهندسی شرایط دشوارتری دارند

معصومه احمدی، ۵۵ ساله مادر سمیه دختری است که دانشجوی دکتری برق الکترونیک است. او هم با گلایه از شرایطی که در کشور برای اشتغال زنان محببه وجود دارد، می گوید: «خاطرم است که همیشه بزرگ ترها و اهل تدین خانواده به دخترهای جوان توصیه می کردند که با همین حجاب، با همین چادر و ظاهر بروید دانشگاه درس بخوانید تا مبادا پس فردا چشم باز کنیم و ببینیم که حتی یک چادری در صدر مناصب کشوری وجود ندارد. همیشه نگران بودیم نکنند چشم باز کنیم و تعداد دختران چادری فعال جامعه کم باشد. ما مسئولیت خودمان می دانستیم پس من به نوبه خودم در جایگاه مادری هر سه دخترم را دانشگاه فرستادم تا جایی هم که می توانستم خرجشان کردم اما حالا هر سه دختر من فارغ التحصیل شده اند. یک نفرشان که از ازدواج کرده و کار نمی کند، دومی هم معلم شده و خیالم راحت است اما دختر سومم که بیش از همه تلاش کرده امروز بیکار است، چرا؟ چون در رشته ای درس خوانده که مرکز و شرکت خواهان وجود ندارد. بهترین شرایط کاری اش در شرکت های خصوصی است. من و پدرش هم حاضر نیستیم به هر قیمتی دخترمان سر کار برود چون تمام تلاشمان را کردیم که حتی در دانشگاه آزاد عقاید و دینش را حفظ کند و حالا نمی خواهیم به خاطر شدنش راز آمد چوب حراج به چادر و حجابمان بزنیم. کار نباشد که نباشد اما انصاف این نیست که محببه ها در اقلیت بمانند و دیده نشوند. حالا چون دختر ما سخت ترین رشته تحصیلی را خوانده و از اول هم جزو

معدود دخترهایی بود که ارشد و دکتری قبول شد حالا باید در کار پیدا کردن هم مصیبت داشته باشد؟»

■ انواع ارتباط های شغلی میان زن و مرد

حجت الاسلام والمسلمین مهدی نیک نژاد، کارشناس مسائل دینی و پژوهشگر مسائل اجتماعی سؤال اینجاست که حدود روابط اجتماعی و مرادوات کاری زنان در جامعه اسلامی چطور تعریف می شود؟ چه ملاک و معیاری وجود دارد که بتوان بر اساس آن مشخص کرد که روابط میان زن و مرد شافل و نامحرم تا چه اندازه صحیح است؟ برای آشنایی با حدود روابط زن و مرد باید اصلاً ببینیم ما چند نوع رابطه میان دو جنس مخالف داریم. رابطه زن و شوهری اولین رابطه ای است که کاملاً دینی و شرعی است و در موارد بعدی زنان و مردان ما در سطح جامعه ممکن است رابطه علمی، حرفه ای و شغلی و حتی روابط دوستانه و خانوادگی داشته باشند.

در توضیح مورد اول که نیاز به عنوان کردن موارد خاصی نیست چون همه ما با نوع رابطه زن و شوهری آشنایی داریم اما در توضیح نوع روابط دوم باید گفت که نمونه این رابطه را می توان در روابط کاملاً چارچوب دار علمی و پژوهشی، با حفظ موازین شرعی و رعایت حدود الهی دید مثل رابطه استاد و شاگردی. اگر احکام الهی مراعات شود این نوع رابطه نه تنها مجاز بلکه مورد تأکید اسلام است و اگر حدود الهی مراعات نشود و حریم های بین محرم و نامحرم شکسته شود اسلام از این رابطه ناخشنود است و آن را نهی می کند، زیرا به ضرر زن، مرد و جامعه است. مهم نیست که کدام جنس استاد و کدام بین دو جنس است، مهم این است که موازین شرعی و حدود الهی در تمام طول مدت رابطه حفظ شود.

اما نکته ای که امروز در جامعه ما بیشتر بحث برانگیز شده، رابطه شغلی و حرفه ای است. ما حتی در این مورد هم گروه های مختلفی از مشاغل را داریم. مثلاً ما با سه گروه شغلی در این گروه روبه ر هستیم. یک گروه مشاغلی که مختص زنان است، دوم مشاغلی که مختص مردان است و سوم مشاغلی که مشترک بین دو جنس است. این گروه بندی بر اساس قوانین دینی و مشاغل اجتماعی صورت گرفته است مثلاً در گروه اول مشاغلی مثل پزشکان زنان و زایمان، آرایشگری و نظایر این را داریم که ورود مردان به این عرصه اصلاً ممکن نیست. در این گونه



خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست های کلی «خانواده» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، ابلاغ کردند که در هشتمین بند از این ابلاغ ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه مورد تأکید قرار گرفته است. در این مورد منع حضور زنان در جامعه یا تشکیل مشاغل زنانه هدف نبوده بلکه اگر با دقت بخوانیم می بینیم که رهبر معظم انقلاب ایجاد فضای سالم را اولویت عنوان

می کنند تا زنان با تمرکز بر اعتقادات و رعایت حریم ها حضورشان را در جامعه حفظ کنند. برای رسیدن به این هدف قطعاً باید زمینه ها و لوازم بسیاری تدارک دیده شود. اما چگونه؟ یکی از راه حل ها این است که از یک طرف پای صحبت ها و خواسته های خانواده ها و دخترتانی ببشینیم که تغییر و ایجاد فضای سالم دینی در جامعه خواسته آنان است و از طرف دیگر از کارشناسان مذهبی بپرسیم که اصلاً حفظ حدود زن و مرد و روابط اجتماعی چیست؟

سؤال اینجاست که حدود روابط اجتماعی و مرادوات کاری زنان در جامعه اسلامی چطور تعریف می شود؟ چه ملاک و معیاری وجود دارد که بتوان بر اساس آن مشخص کرد که روابط میان زن و مرد شافل و نامحرم تا چه اندازه صحیح است؟ برای آشنایی با حدود روابط زن و مرد باید اصلاً ببینیم ما چند نوع رابطه میان دو جنس مخالف داریم. رابطه زن و شوهری اولین رابطه ای است که کاملاً دینی و شرعی است و در موارد بعدی زنان و مردان ما در سطح جامعه ممکن است رابطه علمی، حرفه ای و شغلی و حتی روابط دوستانه و خانوادگی داشته باشند.

در توضیح مورد اول که نیاز به عنوان کردن موارد خاصی نیست چون همه ما با نوع رابطه زن و شوهری آشنایی داریم اما در توضیح نوع روابط دوم باید گفت که نمونه این رابطه را می توان در روابط کاملاً چارچوب دار علمی و پژوهشی، با حفظ موازین شرعی و رعایت حدود الهی دید مثل رابطه استاد و شاگردی. اگر احکام الهی مراعات شود این نوع رابطه نه تنها مجاز بلکه مورد تأکید اسلام است و اگر حدود الهی مراعات نشود و حریم های بین محرم و نامحرم شکسته شود اسلام از این رابطه ناخشنود است و آن را نهی می کند، زیرا به ضرر زن، مرد و جامعه است. مهم نیست که کدام جنس استاد و کدام بین دو جنس است، مهم این است که موازین شرعی و حدود الهی در تمام طول مدت رابطه حفظ شود.

اما نکته ای که امروز در جامعه ما بیشتر بحث برانگیز شده، رابطه شغلی و حرفه ای است. ما حتی در این مورد هم گروه های مختلفی از مشاغل را داریم. مثلاً ما با سه گروه شغلی در این گروه روبه ر هستیم. یک گروه مشاغلی که مختص زنان است، دوم مشاغلی که مختص مردان است و سوم مشاغلی که مشترک بین دو جنس است. این گروه بندی بر اساس قوانین دینی و مشاغل اجتماعی صورت گرفته است مثلاً در گروه اول مشاغلی مثل پزشکان زنان و زایمان، آرایشگری و نظایر این را داریم که ورود مردان به این عرصه اصلاً ممکن نیست. در این گونه

بهرترین راه حل این است که زن و مرد در محیط های کاری ارتباطشان را به حداقل کاهش دهند. زمان ارتباط صرفاً کاری باشد و از گفت و گوهای تحریک کننده و نگاه های آلوده و شهوانی خودداری کنند. هر دو نفر خودشان به رعایت حجاب و عفت شرعی مقید بمانند. دو نفر نامحرم در محیط بسته تنها نمانند. برای انجام این رفتارها باید تلاش کنید که تا حد امکان زمان صحبت کردن با نامحرم به او نگاه نکنید.

خداوند می فرماید: «بل الانسان علی نفسه بصیره؛ آدمی بر نفس خود آگاه و بیناست». این سخن به این معناست که آدمی می تواند نفس خودش را کنترل کند پس مهار کننده نفس باشید و از شوخی کردن با نامحرم اجتناب کنید زیرا اگر شوخی و خندیدن با زن نامحرم موجب فتنه و فساد شود قطعاً حرام است. پس ارتباطات زن و مرد در جامعه بر اساس موازین عرفی، قانونی و شرعی هیچ اشکالی ندارد.

نگاه

اسلام تکلیف ما را مشخص کرده است

ارتباط در سایه عقل و اعتدال

■ حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی همایونی

اگر چه به هیچ وجه نمی توان خطرات ناشی از روابط ناسالم میان دختر و پسر و زن و مرد را دست کم گرفت اما ما نباید با این ترس کلاروابط اجتماعی و کاری افراد را قطع کنیم. وجه تمایز آدمی نسبت به سایر موجودات عقل و سطح شعور اوست که می تواند بر اساس آموزه های رفتارهایش را کنترل کند.

ما نباید بر اساس بدبینی های درونی مان هرگونه ارتباط میان دو جنس مخالف را غیرمجاز و ممنوع عنوان کنیم و چنان سختگیری کنیم که در بعضی موارد حتی منافع و محاسنی هم که وجود دارد را به طور کل حذف کنیم. شکی نیست که معاشرت و مصاحبت دو جنس مخالف می تواند در پارهای از موارد یکی از لغزشگاه های بزرگ به حساب آید، اما آیا می توان به این دلیل حتی با رعایت های لازم، هرگونه ارتباطی را محکوم کرد.

■ دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری در مورد رابطه میان زن و مرد و نظر جامعه غرب و بعضی به اصطلاح روشنفکران داخلی نوشته است: «اشتباه فریود و امثال او در این است که پنداشته اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آنهاست... اینها چون یک طرف قضیه را خوانده اند، توجه نکرده اند همان طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجیات درآوردن آن، موجب از قاعده خارج شدن آن می شود...»

به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوایح طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد. ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد. در مورد «انسان حریص علی مامع» باید گفت که انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخص بیدار کنند و آن گناهوار از آن ممنوع سازند.»

■ تکلیف را دین تعادل مشخص کرده است

حالاتکلیف ما چیست؟ تکلیف ما را اسلام روشن کرده است. اسلام دین اعتدال است و در روابط زن و مرد هم تأکید شده که از هرگونه افراط و



تفریط بهر چیزیم. یعنی نه چنان سختگیرانه و تنگ نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلاً به هیچ وجه قابل عمل نباشد و نه چنان سهل گیرانه نظر داده شود که باعث پیامدهای ناگوار و منفی گردد. معیار و میزان ارتباط درست و سالم با حفظ همه حریم هاست.

فراموش نکنیم اگر ما مسلمان هستیم باید همقدم با اسلام پیش برویم نه یک قدم کم و نه یک قدم زیاد. در مورد محدوده رابطه میان زن و مرد از دیدگاه اسلام این ارتباطی فی نفسه ممنوعیتی ندارد و از نظر عقلی هم چنین نظری کلاً صحیح است چون مثلاً در جامعه ای که به نسبت برابرتر بین جمعیت زن و زن و مرد رابطه وجود دارد، در قالب ازدواج اول و آغاز محرومیت و محدودیت در اجتماع دوم است. در سیستم روابط آزاد جنسی، بپیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند، اما در نظام اسلامی، ازدواج به محرومیت و انتظار آنان پایان می دهد و هر کس که سبب ایجاد جریانی سالم و آسیب ناپذیر در نیا های دو نامحرم از ارتباط برقرار کند و لاغیر.

■ نوع پوشش مهم است

از نظر علما صرف مکالمه و گفت و گو میان زن و مرد نامحرم منعی وجود ندارد حالا در این زمینه فرقی ندارد که موضوع بحث چه باشد تنها اینکه با هدف جلب توجه نباشد. ملاک دوم نوع پوشش است. در نظر علمای دینی اسلام آمده است که بر زن واجب است هنگام حضور در جامعه و ارتباط با جنس مخالف، خود را بپوشاند. البته پوشش زن در برابر مردان بیگانه، اختصاص به شریعت اسلام ندارد و در میان برخی از ادیان دیگر، چه در گذشته و چه در حال، این امر مطرح بوده و است. آنچه به عنوان پوشش برای زنان در اسلام مقرر شده است، بدین معنا نیست که آنان را از حضور در اجتماع منع کند بلکه زن باید در معاشرت و ارتباط با مردان خود را بپوشاند و به جلوه گیری و خودنمایی نپردازد.

تکلیف را دین تعادل مشخص کرده است

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی همایونی اگر چه به هیچ وجه نمی توان خطرات ناشی از روابط ناسالم میان دختر و پسر و زن و مرد را دست کم گرفت اما ما نباید با این ترس کل روابط اجتماعی و کاری افراد را قطع کنیم. وجه تمایز آدمی نسبت به سایر موجودات عقل و سطح شعور اوست که می تواند بر اساس آموزه های رفتارهایش را کنترل کند. ما نباید بر اساس بدبینی های درونی مان هرگونه ارتباط میان دو جنس مخالف را غیرمجاز و ممنوع عنوان کنیم و چنان سختگیری کنیم که در بعضی موارد حتی منافع و محاسنی هم که وجود دارد را به طور کل حذف کنیم. شکی نیست که معاشرت و مصاحبت دو جنس مخالف می تواند در پارهای از موارد یکی از لغزشگاه های بزرگ به حساب آید، اما آیا می توان به این دلیل حتی با رعایت های لازم، هرگونه ارتباطی را محکوم کرد.

شهید مطهری در مورد رابطه میان زن و مرد و نظر جامعه غرب و بعضی به اصطلاح روشنفکران داخلی نوشته است: «اشتباه فریود و امثال او در این است که پنداشته اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آنهاست... اینها چون یک طرف قضیه را خوانده اند، توجه نکرده اند همان طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجیات درآوردن آن، موجب از قاعده خارج شدن آن می شود...»

به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حوایح طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد. ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی توان سیر کرد. در مورد «انسان حریص علی مامع» باید گفت که انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخص بیدار کنند و آن گناهوار از آن ممنوع سازند.»

■ تکلیف را دین تعادل مشخص کرده است

حالاتکلیف ما چیست؟ تکلیف ما را اسلام روشن کرده است. اسلام دین اعتدال است و در روابط زن و مرد هم تأکید شده که از هرگونه افراط و